



درس تفسیر سوره مبارکه مؤمنون - جلسه ۵

حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی دامت برکاته

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

﴿أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ (۱۰) الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۱۱)﴾

بیان نکته ادبی درباره آیه دوم و سوم این سوره

بعد از اینکه اوصاف مهم مؤمنان را ذکر فرمود، پاداشی که برای آنها ذکر می‌کند این است که اینها وارث بهشت‌اند نه تنها اهل بهشت.

در جریان ازدواج مستحضرید که ازدواج مثل غذا خوردن برای حفظ انسان است انسان هم باید شخصاً بماند هم باید نوعاً محفوظ باشد حفظ شخص انسان با غذاست حفظ نوع انسان با نکاح است و هر دو را ذات اقدس الهی به عنوان ضروری مطرح کردند و چون تحمل این کارها دشوار است یا آسان نیست یک سلسله لذایذ را در هویت انسان تأمین کرد تا انسان برای رسیدن به آن لذت تن به این کار بدهد اینها در حقیقت مُزد کار است نه هدف. انسان اگر غذا نخورد می‌میرد انسان اگر نکاح نداشته باشد منقرض می‌شود انسان مثل فرشته نیست که بدون غذای طبیعی بماند و غذای او ذکر خدا باشد انسان مثل فرشته نیست که نیاز به نکاح نداشته باشد و محفوظ باشد هم به غذا محتاج است برای حفظ شخص هم به نکاح محتاج است برای حفظ نوع چون این کارها دشوار است تأمین غذا و تهیه غذا سخت است زیرا انسان مثل حیوان نیست که غذای او در سفره طبیعت حاضر باشد او علف‌خوار نیست او نیاز به پخت و پز و دستگاه تغذیه دارد بنابراین این کار دشوار است برای اینکه او این دشواری را تحمل کند لذتی در فضای

کام او پیدا می‌شود و همچنین نکاح برای حفظ نسل است این کار ضروری است نظیر مسئله غذا و چون این کار دشوار است تأمین خانواده، تأمین هزینه آنها، تربیت فرزند مشکل است چند کار را ذات اقدس الهی به عنوان پاداش این کار دشوار قرار داد یکی لذت نکاح است و یکی محبت اولاد. این انسان خیال می‌کند که این لذت هدف است یا آن محبت هدف است در حالی که اگر پدر و مادر به کودک علاقه نداشته باشند مشکلات او را تحمل نمی‌کنند این مُزد آن کار است انسان خیال می‌کند که محبت اولاد برای او يك اصل است یا لذت نکاح برای او اصل است در حالی که این مُزد آن کار است این لذت غذا خوردن مُزد تحمل این دشواری است و چون این افراد عادی نمی‌دانند که این لذت، مُزد آن کار است تا می‌توانند می‌خورند

عوارض عدم درك فلسفه تغذیه و نکاح

و اکثر بیماری‌ها هم مستحضرید که در اثر بدخوری و پرخوری است این دین دستور داده تا اشتها به غذا ندارید کنار سفره نروید، يك مقداری مانده که سیر شوید از کنار سفره برخیزید و هیچ انسان پرخوری خوش استعداد و خوش فهم نخواهد بود این جزء بیانات نورانی حضرت امیر بود که بارها خوانده شد فرمود: «لَا تَجْتَمِعُ عَزِيمَةٌ وَ وَلِيمَةٌ»^۱ «لَا تَجْتَمِعُ الْفِطْنَةُ وَ الْبُطْنَةُ»^۲ پرخوری با فِطْنَت، بَطْن بودن با فِطْن بودن جمع نمی‌شود هیچ آدم پرخوری مُلاً نخواهد شد هیچ آدم بدخوری هم خردمند نمی‌شود به مقداری که بدن نیاز دارد آدم باید غذا بخورد. خب این را گفتند آن که نمی‌فهمد بشر چرا باید غذا بخورد پرخوری می‌کند آن که نمی‌فهمد بشر چرا محتاج به نکاح است دنبال هرزگی است فرمود شما مواظب غذایتان باشید مواظب اندام تناسلی‌تان باشید این هم يك مطلب و مبادا خیال کنید

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۴۱؛ غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۸۳، ح ۱۱۱۷۰.

۲. غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۶۰، ح ۸۱۵۷.

این نکاح برای آن است که شما لذّت ببرید این نکاح برای آن است که نسل بشر محفوظ بماند همان طوری که در پرخوری و بدخوری، اینها خیال می‌کنند که انسان برای لذّت غذا می‌خورد نه برای ماندن، لذا به ماندن خودشان آسیب می‌رسانند که به لذّت برسند در جریان نکاح هم همین طور است اگر خانواده حفظ نشود و فرزند صالح تربیت نشود ما امت اسلامی، جامعه اسلامی، جامعه متمدّن نخواهیم داشت زیرا جوامع را خانواده‌ها تشکیل می‌دهند و عواطف در همان دوران خردسالی است متمم قانون همان عاطفه و اخلاق است جایی که عاطفه نباشد اخلاق نباشد قانون هر چه کامل باشد نمی‌تواند مشکلات جامعه را حل کند لذا قرآن کریم برای خانواده خیلی حرمت قائل است خیلی تأکید می‌کند همان طوری که برای عقل، حرمت قائل است دو چیز را پشت سر هم با تعبیرهای گوناگون تحریم کرده یکی خمر یکی زنا برای اینکه نه می‌گذارند خانواده سامان بپذیرد نه می‌گذارند جامعه شکل بگیرد.

دیدگاه علامه طباطبایی درباره جایگاه و محدوده نکاح دائم و منقطع

سیدنا الاستاد (رضوان الله علیه) ملاحظه فرمودید در المیزان بعد از آن بحث ایمان که ایمان از چه سنخ است وارد مسئله اجتماعی شدند که این آیات، مسائل اجتماعی را خوب تفهیم می‌کند و برای اینکه پاسخ المنار و امثال المنار را هم بدهد می‌فرماید شما مستحضرید که همه انسانها و همه افراد بخواهند نکاح دائم داشته باشند مقدورشان نیست نه می‌شود جلوی غریزه را گرفت (يك) نه می‌شود جلوی ضرورت نسل را گرفت (دو) و نه می‌شود برای همه جوانها زندگی دائم و ازدواج دائم فراهم کرد (سه)، لذا قرآن کریم هم ازدواج دائم را هم ازدواج موقت را ترسیم کرده است منتها فرهنگ عمومی باید طوری باشد که وقتی گفتند ازدواج موقت یعنی آن جوان متدینی که مقدورش نیست ازدواج موقت کند نه کسی که متأهل است خب این به هم زدن اساس دین است به دست همین متدینین صوری،

نفرمودند شما که متأهل هستی باز به دنبال نکاح موقت برو، گفتند آن جوانی که مقدورش نیست او به دنبال نکاح موقت برود که هم آلوده نشود و هم بتواند موقتاً خانواده تشکیل دهد هم فرزنددار شود همه اینها هست. ایشان يك بحث مبسوط دارند که مسئولان قانون‌گذاری این ازدواجها را سامان ببخشند^۳ وگرنه همین که می‌بینید یا بیابانی یا خیابانی در می‌آید و رفتند جلوی ازدواج موقت را بگیرند زنا را ترویج کردند فرمود این خطر هست در صدر اسلام در زمان خود پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عده‌ای ازدواج موقت داشتند این امانت الهی است این دین، امانت است به دست ما، بگذاریم آن جوان متدبّتی که راه ندارد این از این راه استفاده کند تو که متأهل هستی چرا به دنبال این می‌روی.

بیان اهمیت و آثار مواظبت بر نماز در ابتدای این سوره

﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأُفْرُوجِهِمْ حَافِظُونَ﴾^۴ در تعبیر به «فروجهم» هم مستحضرید که نه آن روز این کلمه به آن عضو تناسلی گفته می‌شد نه امروز، هر دو کنایه است الآن شما می‌بینید در بسیاری از موارد همین کلمه فروج به کار می‌رود این برای آن است که برای آن عضو تناسلی نیست ادب را قرآن کریم حفظ کرده است دورترین کنایه را رعایت کرده،

نظام برده‌داری از نظر اسلام

اما در جریان ملك یمین که اسلام بساطش بر آزادی بود مستحضرید بیش از پنجاه کتاب به عنوان کتاب فقه مطرح است هیچ کدام از آنها کتاب الرق نیست ما در اسلام کتاب العتق داریم نه کتاب الرق این عتق برای آن است

۳. المیزان، ج ۱۵، ص ۱۷ و ۱۸.

۴. سوره مؤمنون، آیه ۵.

که دستور آزادی می دهند شما می بینید کسی به عنوان خادم حرمین لشگرکشی می کند از راه دور می آید در مسجد شیعه ها قرآنی که خودش چاپ می کند می سوزاند شما چطور می خواهید این را تربیت کنید مگر اینکه این را چند روزی به عنوان برده داشته باشی آدم بکنی رها بکنی این چنین نیست که بردگی نظیر خمرخوری یا نظیر زنا ذاتاً حرام باشد این با آزادی بشر سازگار است اما اینها ﴿أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ﴾^۵ خب از يك طرف قرآن چاپ می کنید از طرفی از راه دور لشگرکشی می کنید و یقین دارید این مسجد پُر از قرآن است همین طور مرتب می سوزانید آخر این با کدام منطق هماهنگ در می آید اگر این را کسی بگیرد باید چند روزی به عنوان برده داشته باشد آدم بکند ولی مستحضری هیچ کاری در اسلام نسبت به برده ها که با حیثیت او هماهنگ نباشد تجویز نشده فحش دادن، بدگویی کردن، غیبت کردن، اهانت کردن، مگر غیبت برده جایز است؟ مگر اهانت به برده جایز است؟ مگر تحقیر برده جایز است؟ ولو مولایش هم باشد بر او حرام است که غیبت کند نسبت به برده، تحقیر کند او را اینها هست دیگر در احکام اسلامی ما.

در بحث های قبل هم داشتیم که قرآن تحقیر نکرده کسی را، تحقیق کرده فرمود: ﴿أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ﴾ آخر شما ببینید با هیچ منطق هماهنگ در نمی آید این بحرینی ها تمام مساجدشان دو ماه محرم و صفر «یا حسین، یا حسین» با کسی کاری ندارند شما این طور لشگرکشی کردید از آن طرف آمدید مسجد اینها را می سوزانید زن و مرد را همه را می کشی اگر يك وقت حکومت اسلامی پیروز شود ولی مسلمین درباره اینها چه تصمیم می گیرد اینها را رها می کند یا می گوید اینها مدتی باید باشند آدم بشوند نه اینکه اینها را بزنند اینها را می خواهد عاقل کند بعد رها کند، اگر استرقاق الی یوم القیامه هست برای همین موضوع است. در بحث های سوره مبارکه «توبه» هم خواندیم

فرمود شما با کفار بجنگید یعنی مثل صهیونیست مثل استکبار و امثال ذلك نه برای اینکه کافرند با بسیاری از کفاری که روی زمین زندگی می کنند يك زندگی مسالمت آمیز داریم قبلاً هم گذشت که در قانون اساسی همین آیه هشت سورة مبارکه «ممتحنه» هم آمده^۶ که خدا می فرماید با کفاری که با شما کاری ندارند روابط خوب داشته باشید ﴿أَنْ تَبْرُوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ﴾ با اینها عادلانه رفتار کنید اما درباره يك عده فرمود: ﴿فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ﴾^۷ نه «لا ایمان لهم» فرمود با اینها بجنگید نه برای اینکه ایمان ندارند و کافرند خب خیلیها هستند که کافرند ولی شما با اینها زندگی مسالمت آمیز دارید اینها ایمان ندارند نه ایمان یعنی قطع نامه، کنوانسیون، پیمان، عهدنامه، تفاهم هیچ چیزی را رعایت نمی کنند خب شما با کسی که اصلاً ایمان یعنی قطع نامه، امضا، تفاهم هیچ چیزی را رعایت نمی کند زیر پا می گذارد چطور می خواهی زندگی کنی. فرمود: ﴿فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ﴾ این همه قطع نامه علیه صهیونیست ها صادر شده هیچ کدامش را آمریکا رعایت نکرده چطور می خواهی با او زندگی کنی؟! اگر بر او مسلط بشوی این را رها می کنی برای اینکه بردگی ممنوع است؟! بردگی انسان ممنوع است این برهان قرآن کریم است فرمود شما با چه کسی می خواهی زندگی کنی هیچ امضایی را محترم نمی شمرد هیچ عهده را محترم نمی شمرد این ﴿إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ﴾ نشان می دهد دین با کسی می جنگد که «لا ایمان له» نه «لا ایمان له» قرآن فرمود با کفار می توانید زندگی مسالمت آمیز داشته باشید ما با خیلی از کفار روابط حسنه داریم کاری با ما ندارند ما هم با آنها کاری نداریم اما کسی که هیچ تعهدی را رعایت نمی کند آخر با اینها چطور شما می خواهید زندگی کنید؟! بله، بردگی ممنوع است اما برای انسان ممنوع است اما اینها که هیچ اصلی از اصول انسانی را رعایت نمی کنند چطوری می خواهید با آنها زندگی کنید ﴿فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ﴾ این قرآن بوسیدن دارد!

۶. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل چهاردهم

۷. سورة توبه، آیه ۱۲.

﴿أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ﴾ این ﴿أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ﴾ برای آن است که بگویند اینها شما را بهشت نمی برد درست است که ما گفتیم معامله ای هست ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ﴾^۸ اما همه اینها تشویقی است چیزی شما ندارید که بدهید و بهشت بخرید بهشت با کسب به دست نمی آید با ارث به دست می آید شما تلاش و کوشش را بکنید همه این کارها برای این است که شناسنامه پیدا کنید به جایی مرتبط بشوید وقتی مرتبط شدید اثر آن رابطه، ارث است آدم وقتی با کسی پیوند دارد از او ارث می برد حالا صدها سال درس بخواند زحمت بکشد که از فلان شخص ارث نمی برد این اگر بخواهد از فلان شخص ارث ببرد باید رابطه داشته باشد با او، فرمود این کارهای شما، شما را به اهل بیت نزدیک می کند به خدا نزدیک می کند وقتی نزدیک شدید از سهم الوراثة بهره می برید ﴿إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ﴾^۹ چه ارض دنیا چه ارض آخرت، بهشتی ها وقتی وارد سرزمین بهشت شدند می گویند: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُوهُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ﴾^{۱۰} ما این را به ارث بردیم نه به کسب.

پرسش:....

پاسخ: خب بله، مورث خود ذات اقدس الهی است بر اساس تفضّل، کسب نیست تعبیر کسب که فرمود: ﴿لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ﴾^{۱۱} یا ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى﴾^{۱۲} همه اینها تعبیر تشویقی است ما چه چیزی داریم که بفروشیم فرمود: ﴿مَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ﴾^{۱۳} و فرمود درست است که من اصل مالکیت را امضاء کردم اما مالکیت نسبت به خود شما، هر کسی کار کرده کسب کرده مالک است ملک طلق اوست اما نسبت به خدا چطور؟ یعنی شخصی که

۸. سوره توبه، آیه ۱۱۱.

۹. سوره اعراف، آیه ۱۲۸.

۱۰. سوره زمر، آیه ۷۴.

۱۱. سوره بقره، آیه ۲۸۶.

۱۲. سوره توبه، آیه ۱۱۱.

۱۳. سوره نحل، آیه ۵۳.

کاسب است یا کشاورزی یا دامداری که مال فراهم کرده در برابر خدا می تواند بگوید که این مال من است من کسب کردم مستقلّم به نظر خودم باید عمل بکنم یا مال نسبت به ذات اقدس الهی ایتاء الهی است که فرمود: ﴿وَأَتَوْهُمْ مِّن مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ﴾^{۱۴} بله، نسبت به دیگران ما مالکیم اصل مالکیت امضا شده است اما نسبت به ذات اقدس الهی که کسی حق ندارد بگوید من این را خودم کسب کردم مالکم. فرمود: ﴿وَأَتَوْهُمْ مِّن مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ﴾ پس نسبت به خدای سبحان ما مالک نیستیم هر چه او دستور داد باید عمل کنیم و چون جان و مال ما، مِلْکِ اوست چیزی نداریم که بفروشیم این تعبیرات [کسب و امثال ذلك در قرآن کریم] تشویقی است، اگر به فرمان او عمل کردیم به او نزدیک می شویم رابطه برقرار می کنیم رابطه که برقرار کردیم به ما چیزی عطا می کند می شود ارث. فرمود: ﴿تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾^{۱۵} درست است کار کردیم اما این کار به عنوان کسب نیست به عنوان پیوند است وقتی پیوندتان محفوظ شد ارث می برید. بهشتی ها هم وقتی که وارد سرزمین بهشت شدند حق شناس اند حق شناسی می کنند می گویند آن را به ما ارث داد ما کاری نکردیم که از راه کار ببریم، بنابراین اینکه در بعضی از روایات دارد که ﴿يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ﴾ چون هر کسی برای او جایی در بهشت معین شده عده ای خودشان را محروم کردند سهم آنها به اینها می رسد^{۱۶} این باید توجیه بشود خب سهم خود اینها که به اینها می رسد چطور؟ همه که از راه دیگری نیست سهم خود این مؤمن هم که به این می رسد ارث است. فرمود: ﴿تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ این ﴿بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ برای ایجاد پیوند است لذا آنها می گویند خدا را شکر می کنیم که ما را وارث خود قرار داد.

۱۴. سوره نور، آیه ۳۳.

۱۵. سوره زخرف، آیه ۷۲.

۱۶. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۸۹.

کیفیت احراز ارث‌های ملکی و ملکوتی

در بخش پایانی بحث دیروز رسیدیم به اینکه «إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ»^{۱۷} حالا العلماء، المؤمنون اینها هم ورثه انبیایند هم قدری بالاتر ورثه الله‌اند وارثان خدایند در ارث‌های ملکوتی وارث باید بمیرد نه مورث. در ارث‌های ملکی تا مورث نمیرد چیزی به وارث نمی‌رسد در ارث‌های ملکوتی تا وارث نمیرد چیزی به او نمی‌دهند نه مرگ طبیعی، آن مرگ ارادی در روایات ما هم هست که «زِنُوا أَنْفُسَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَوْزَنُوا وَحَاسِبُوهَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تُحَاسِبُوا»^{۱۸} «موتوا قبل أن تموتوا»^{۱۹} قبل از اینکه بمیرانند، بمیرید قبل از اینکه شما را به محاسبه دعوت کنند حسابرس خود باشید قبل از اینکه شما را وزن کنند خود را توزین کنید خب اینکه فرمودند: «موتوا قبل أن تموتوا» همین است بعدها ادبای ما گفتند «مات زيدٌ زید اگر فاعل بود» یعنی این مفعول است نه فاعل، اگر کسی به «موتوا قبل أن تموتوا» عمل کند بله، اینجا می‌شود گفت «مات زيدٌ»، «مات» فعل «زيد» فاعل، اما آن که نفسش تمام شده اجازه دفن می‌دهند او مفعول است «أماته الله» نه اینکه او بمیرد و بشود فاعل این فعل به هر تقدیر کسی ارث می‌برد که با موت ارادی بمیرد البته موت ارادی برای همه هست که «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ»^{۲۰}.

مفهوم و جایگاه فردوس در بهشت

﴿الَّذِينَ يَرْتُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ فردوس را به چند معنا ذکر کردند اقسام فردوس، احکام فردوس، آیا فردوس آن مرحله‌عالیه بهشت است یا وسط بهشت را می‌گویند فردوس؟ در یکی از دعا‌های روزهای ماه

۱۷. الکافی، ج ۱، ص ۳۲.

۱۸. نهج البلاغه، خطبه ۹۰.

۱۹. بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۵۹؛ تفسیر ابن عربی، ج ۱، ص ۶۰؛ تفسیر المحیط الأعظم، ج ۱، ص ۵۹.

۲۰. سورة آل عمران، آیه ۱۸۵؛ سورة انبیاء، آیه ۳۵؛ سورة عنکبوت، آیه ۵۷.

مبارك رمضان این است که «وَأَسْكِنِي بِرُكَّتِهِ مَبْجُوحَةً جَنَّتَاكَ [فِيهِ مَبْجُوحَاتُ جَنَّتَاكَ]»^۱ مجبوحه یعنی وسط، يك وقت وقت يك وسط است که شرفی نمی آورد يك وقت است نه، آن هسته مرکزی را می گویند وسط، اگر این باشد خب خصوصیتی را فردوس دارد که سایر بخش ها ندارد فرمود: ﴿الَّذِينَ يَرْتُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ چون این اوصاف را دارند اگر يك وقت مثلاً آسیبی در زندگی اینها مشهود باشد اینها یا در دنیا درمان می شوند یا عندالاحتضار یا در برزخ یا در ساهره قیامت یا عندالعرض یا عندالحساب یا عندالصراط بالأخره تطهیر می شوند ولی وقتی وارد فردوس شدند دیگر ﴿هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾.

«و الحمد لله رب العالمين»